

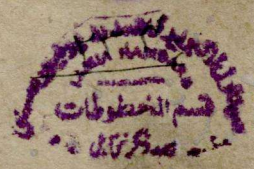


بسم الله الرحمن الرحيم  
 کتاب الراجح من الذخیره الخوارزمیه  
 در ریاضه  
 ۱۹۵۵



بسم الله الرحمن الرحيم

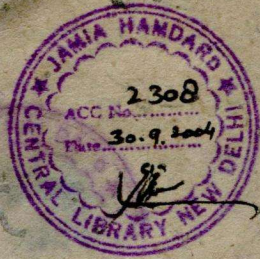
الحمد لله رب العالمین و اعین کتاب جباریم از کتاب ذخیره خوارزمی  
 و این کتاب جبار کفار است کفار خستین اندر شناختن و  
 بیرون آوردن که هر بیماری کدام بیمار است و این کفار  
 بالبت با بخت اندر آنکه بر طبیب واجب است که نشاند  
 که هر بیماری کدام بیماری است و یاد کردن طریق آن و شناختن  
 آن بابت دوم اندر شناختن جنس و نوع و فصل و خاصه و عوفا  
 باب سیم اندر آنکه طبیب جنس و نوع و فصل و خاصه و عوفا  
 چگونه باز جوید و بر بیماری چگونه واقف شود و دست  
 اندر شناختن نوع و این کفار پنج باب است با خستین اندر  
 آنکه نفیج صفت باب دوم اندر یاد کردن حال و نفیج و  
 آن با سیم اندر آنکه طبیب را همیشه اثر نفیج همین



۲۳-۸۵

والجاء

دفترہ وزارت معارف



مرور فرمائی گئی  
در وقت ۳۰/۹/۶۴



اندرج ۲۳۸

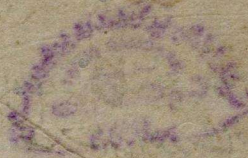
پدید آید و نشانی دهد که بیماری خواهد بود باینست که اندر  
یا در کرون سینه ها مرکب باب هفتم اندر شناختن سبب  
وقت مرکب اندر نوسه ها وقت تمام شد فهرست کتاب  
: چهارم بحمد الله و منته و صفا الله علی محمد وآله :

گفت نخستین اندر شناختن و پیرون آوردن که هر  
بیماری کدام بیماری است و یاد کرد که طریق این داین  
کفایت رسد باینست **باب نخستین** اندر آنکه هر طبیب واجبست  
که بشناسد که هر بیماری کدام بیماری است و یاد کرد که طریق این  
بیاید دانست که غرض از طلب دو کار است یکی نگاه داشتن  
درستی بر تن درستان دوم زایل کردن بیماری  
از بیمار و اندرین هر دو کار طبیب را حاجتست بدانکه  
تن درستی و بیماری هر دو بشناسد و اگر چه اندر نگاه  
داشتن درستی شناختن بیماری حاجتست باینست اندر زایل  
کردن بیماری بدان حاجتست از بهر آنکه تا شناخت هر بیماری  
که کدام بیماریست تدبیر زایل کردن آن نتواند کرد و طریق  
شناختن بیماری آنست که جنس و نوع و فصل و ضابطه و عرض  
بشناسد و جنس را قسمت کند و نوعها را که اندر زیر او  
باشد بیک یک بگوید و بدست آورد و فصل هر نوعی از نوع  
ببخشد و هر نوعی بدان از یک یک جدا شود و بشناسد و نوعها را  
ببیند بدینست که او نگاه میکند تا هیچ نوعی از میان فرو  
نکند و تا هرگاه که خواهد که بشناسد که هر بیماری کدام بیماریست

دفتره وزارت معارف



مدرسہ فنیہ کراچی  
لکھنؤ  
در زمرہ فنیہ کراچی



انتاج ۲۳۸

کلی ذاتی که بر نوع افتد و هر نوعی بدان نام از یکدیگر جدا شوند  
 چون ناطق که مردم از یکدیگر جانوران جدا شود و خاصه خاصتر است  
 از فضل و نامی است کلی ذاتی لیکن عرضی چون ضاحک و کتاب  
 مردم را و عرض عام صفتی است و نه ذاتی و نه مندرج باینها  
 که نوع مخالف یکدیگر باشند موجود بود و چون سبیدی در  
 برف و در شیر و غیر آن و چون سیاهی در غراب و جغد و  
 غیر آن یا سبیم از کفایتین اندر آنکه طبیب جنس دفع  
 و فضل و خاصه و عرض بیماری چگونه باز جوید و بر حقیقت  
 بیماری چگونه واقف شود باید دانست که لایق با جزئی  
 جنس و نوع و فضل و خاصه و عرض بیماریها آنست که طبیب  
 جنس اعلا بگوید و آن بیمار است که همه اصناس و انواع بیماریها  
 در زیر آن در آید و گوید علاج بیماری اینصورتان باید کرد  
 پس انواع را که اندر زیر جنس اعلا باشد باز جوید و  
 هر یک را بفضل از ذاتی یکدیگر جدا کند بدین طریق جنس  
 حاصل آید بدست آرد و علاجی خاصتر از سینه بگوید این بیمار  
 که مت علاج او بر دی باید یا بیماری سرد است یا گرم  
 بگویی باید پس نوع بیماری بدست آرد ذاتی از آن جدا  
 کند و گوید این بیماری از عفونت خلطت مثلا و علاجی  
 خاصتر از سینه ماذه عفونت از تن بیرون باید کرد پس جنس  
 خاصتر بگوید و بفضل از آن جدا کند گوید این عفونت فلان  
 خلط است خاصتر از سینه گوید فلان بیرون باید کرد مثلا